

خیلواکی



استقلال

www.esteqlaal.net

سه شنبه ۱۰ مارچ ۲۰۲۶

از منابع دیگر

به مناسبت روز فرخنده زن

بودا و زن هرزه

بودا به قریه ای سفر کرد. زنی که مجذوب سخنان او شده بود از بودا خواست تا مهمان وی باشد.

بودا پذیرفت و مهیای رفتن به خانه زن شد.

قریه دار هراسان خود را به بودا رسانید و گفت :

این زن، هرزه است به خانه او نروید.

بودا به قریه دار گفت :

یکی از دستانت را به من بده!

قریه دار تعجب کرد و یکی از دستانش را در دستان بودا گذاشت.

آنگاه بودا گفت :

حالا کف بزن!

قریه دار بیشتر تعجب کرد و گفت :

هیچ کس نمی تواند با يك دست کف بزند.

بودا لبخندی زد و پاسخ داد :

هیچ زنی نیز نمی تواند به تنهایی بد و هرزه باشد، مگر اینکه مردان قریه نیز هرزه باشند.

بنابراین مردان و پول های شان است که از این زن، زنی هرزه ساخته اند...

برو و به جای نگرانی برای من، نگران خودت و دیگر مردان قریه ات باش!!!

